

وظیفه معذورین

در مورد مساجد و حرم‌های ائمه علیهم‌السلام

از نگاه مذاهب پنجگانه

سید علیرضا موسوی مهر*

چکیده

شریعت مقدّس اسلام برای اماکن مقدّس احترامی ویژه قائل است؛ به طوری که همه فرقه‌های اسلامی، در اصل و جوب احترام این اماکن، اتفاق نظر دارند. در راستای این حکم، اسلام محدودیت‌هایی را در آمد و شد به این اماکن برای برخی افراد؛ مثل اشخاص جنب و زنان حائض ایجاد نموده و قوانینی را وضع کرده است که خصوصیات این حکم در میان مذاهب مختلف فقهی متفاوت است. در این پژوهش که از شیوه پژوهش توصیفی، از نوع تحلیل اسنادی پیروی شده، پس از بیان برخی مفاهیم کلی، حکم ورود و توقف اشخاص جنب و زنان حائض در اماکن متبرک، بر اساس دیدگاه مذاهب مختلف فقهی بررسی شده است. در نتیجه پژوهش حاضر، به این واقعیت می‌رسیم که بیشتر مذاهب اسلامی توقف این اشخاص در مساجد را حرام می‌دانند و در جواز عبور و گذر کردن از مساجد، میان ایشان اختلاف نظر وجود دارد.

نسبت به حرم مطهر ائمه اطهار نیز هر چند مشهور علمای شیعه توقف را حرام می‌دانند، اما فقهای اهل تسنن آن را جایز می‌شمارند.

کلید واژه ها: حکم معذورین، اماکن متبرک، ورود معذورین، توقف معذورین، احکام مسجد، احکام حرم ائمه

مقدمه:

در شریعت اسلام به حضور مسلمانان در فریضة حج توصیه‌های زیادی شده و ثواب‌های فراوانی برای آن بر شمرده‌اند (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، صص ۷۲ - ۶۴)؛ از سوی دیگر، مؤمنان به زیارت انبیا و اولیای دین (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، صص ۱۰، ۳۷، ۱۲۲، ۲۹۸ و ۳۰۳) و حضور مستمر در مساجد دعوت شده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۱).

این توصیه‌ها موجب گردیده است که همه ساله هزاران نفر در ایام حج و در سایر مناسبت‌های مذهبی راهی اماکن مقدّس شوند و همه روزه میلیون‌ها نفر برای انجام عبادات و سایر کارها، خود را به مساجد برسانند.

اسلام در کنار این توصیه‌های فراوان، احکام و وظایفی را در مورد کسانی که به این اماکن آمد و شد می‌کنند، بیان کرده است؛ از جمله این احکام، حرمت توقف و عبور زنان حائض و اشخاص جنب از این اماکن است (البته با تفصیلی که در ادامه بیان خواهد شد).

از آن جا که نیمی از اشخاصی که به این اماکن مقدّس آمد و شد می‌کنند را بانوان تشکیل می‌دهند و ایشان در روزهای زیادی از سال حائض هستند و از سویی جنب بودن اشخاص حالت شایعی در میان مردم است، بررسی این حکم فقهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هر چند در کتب فقهی احکام مربوط به این اشخاص به تفصیل بررسی شده لیکن علاوه بر این که این مباحث در باب خاصی گردآوری نشده، مسائل به صورت مقارن بررسی نگردیده و تنها به بیان مقتضای یک یا چند مذهب فقهی بسنده شده است.

همچنین، گرچه در برخی کتب فقهی که به عنوان مناسک بانوان نوشته شده، این بحث‌ها به صورت مجزاً در نگاشته‌های خاصی بیان گردیده، لیکن در آنها نیز علاوه برداختن به مسائل مقارن، ادله‌های مسائل نیز بررسی نشده است.

برخی دیگر از پژوهش‌ها؛ نظیر مقاله‌ای که در خصوص ورود و توقف معذورین در مزارات ائمه توسط پژوهشگر محترم جناب رضا عندلیبی نگاشته شده، ادله‌های موضوع را نیز بیان کرده‌اند، لیکن در آن، اولاً به بررسی خصوص احکام حرم‌های اهل بیت پرداخته‌اند و ثانیاً مسأله صرفاً از دیدگاه فقهای امامیه بررسی شده است.

لذا بحث پیرامون این موضوع و بررسی آن ضروری به نظر می‌رسد که در این مقاله سعی شده ابعاد مختلف این موضوع به نقد و بررسی گذاشته شود و ادله‌های مذاهب مختلف فقهی، در آن بیان گردد.

کلیات

شایسته است ابتدا به برخی از مفاهیم کلیدی که در ضمن بحث با آن مواجه و روبه‌رو خواهیم شد، پردازیم:

مسجد

معنای لغوی مسجد: «مسجد» اسم مکان است؛ به معنای سجده کردن و از واژه «سَجَدَ» به معنای به خاک افتادن و خضوع کردن مشتق شده است.

لیکن دهخدا معتقد است این واژه از واژه «مَزْگِت» به معنای نمازخانه و محل پرستش خدا است و آن واژه‌ای است «آرام»^۱ که به عربی و فارسی منتقل شده است و از آنجا که حرف «سین» به حرف «زاء» و حرف «تاء» به حرف «دال» نزدیک بوده، به این شکل استعمال شده است. او همچنین برای استعمال «مَزْگِت» در این معنا، به متون مختلف قدیمی نیز استناد کرده است (دهخدا، ۱۳۵۸ش، حرف «م»).

۱. زبان آرامی عضوی از زبان‌های سامی است که گفته‌اند بیش از ۳۰۰۰ سال قدمت دارد.

معنای اصطلاحی مسجد؛ به عبادتگاه مخصوص مسلمانان مسجد گفته می‌شود و مراد از آن، مکانی است که برای عبادت و اقامه نماز و خضوع در برابر خداوند قرار داده شده است. وجه تناسب معنای لغوی و اصطلاحی آن نیز این نکته است که شخص واقف، این مکان را مخصوص عبادت وقف می‌کند و از آنجا که سجده کردن بالاترین مصداق عبادت است، به این نام نامیده‌اند.

مساجد همواره دارای ارزش و احترامی خاص بوده‌اند. امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال از علت این امر، سبب آن را این گونه ذکر کرده‌اند: «مساجد خانه‌های خداوند در زمین هستند» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۳۱۸؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۹۷).

حرم‌های ائمه علیهم السلام

مراد از حرم ائمه اطهار علیهم السلام تا چه شعاع و محدوده‌ای از اطراف قبر مطهر ایشان است؟ روشن است که این حکم، در مباحث مختلف متفاوت است:

بیشتر فقها در اکثر احکام، حرم ائمه علیهم السلام را قبر شریف و اطراف آن، که زیر گنبد شریف واقع است، می‌دانند (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۱؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۲۴؛ خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق، ص ۸۶، س ۴۲۴؛ سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۴؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۸ق، ص ۸۲).

لیکن برخی دیگر از فقها رواق‌های حرم را نیز ملحق به زیر گنبد شریف کرده‌اند؛ لذا برخی از ایشان فرموده‌اند:

جنب و حائض به احتیاط واجب در رواق‌های اطراف حرم داخل نشوند (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۹؛ لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۴)؛ و برخی توقف جنب و حائض را در رواق‌های اطراف حرم منع می‌کنند ولو داخل شدن را جایز می‌دانند (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۱). البته ظاهر اصحن‌های شریف حرم‌های اهل بیت علیهم السلام حکم حرم ایشان را ندارند و مثلاً توقف جنب و حائض

در آن‌ها در صورتی که مسجد نباشند جایز است (بهجت، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۴۴).
دلیل اختلاف فقها در این محدوده آن است که آیا ورود یا توقف جنب و حائض
مصدق هتک به ائمه می‌باشد یا خیر، که اگر مصداق هتک باشد در این صورت رواق‌های
اطراف هم حکم اطراف قبر مطهر را خواهند داشت، و الا حکم مختص به زیر قبه مطهر
خواهد بود (عندلیبی، ۱۳۹۶ش، ص ۲۴).

جنابت

جنابت یکی از احکام وضعی در اسلام است که احکامی مانند بطلان نماز و حرمت
مس آیات قرآن بر آن مترتب می‌شود.

حیض:

در صورتی که از زنی خون حیض خارج شود، این زن حائض خواهد بود.
مراد از حیض خونی است که غالباً سیاه، گرم و غلیظ است و با فشار و سوزش
همراه است (اراک، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۷) و معمولاً اکثر
زن‌ها در طول عمر خود، با آن برخورد می‌کنند و غالباً خروج آن در دوره‌های معین
و به صورت ماهیانه است؛ که در حقیقت این خون در دوران حاملگی تبدیل به غذای
جنین می‌شود (همان، ص ۳۷).

فصل یکم:

ورود جنب و حائض به اماکن متبرک:

اماکن متبرکی که اشخاص جنب و حائض قصد ورود به آن را دارند مختلف است
که در چند مبحث باید از آن بحث کنیم:

مبحث یکم: ورود به مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ

علمای شیعه اتفاق نظر دارند که داخل شدن حائض و جنب به مسجد الحرام
و مسجد النبی ﷺ حرام است (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۱؛ امام خمینی، ج ۱، ص ۳۸).

لیکن علمای اهل تسنن وجه خصوصیتی برای مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ قائل نیستند و حکم آن را با حکم سایر مساجد یکی می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۲۶)، لذا فقهای حنفی و مالکی^۱ نیز مانند فقهای شیعه وارد شدن را اجازه نمی‌دهند اما سایر فقهای ایشان وارد شدن به این دو مسجد را اجازه می‌دهند (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۱).

گفتار یکم: دلیل حرمت ورود

دلیل این حکم نزد فقهای امامیه روایاتی است که برخی بزرگان از آن به «مستفیضه» تعبیر کرده‌اند (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۴، ص ۱۳۸) در اینجا به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

الف؛ صحیحۀ جمیل بن درّاج:

از جمله روایاتی که دلالت بر این حکم دارد، روایت جمیل بن درّاج از امام صادق علیه السلام است که در آن از حضرت سؤال کرده‌اند: آیا توقف در مساجد جایز است؟ و حضرت پاسخ داده‌اند: «خیر، لکن [بر او جایز است] از همه مساجد عبور کند مگر مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله [که حتی حق عبور از آن‌ها را هم ندارد]» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۰).

دلالت روایت واضح است، از جهت سندی هم اکثر فقهای امامیه از آن به «حسنه» تعبیر کرده‌اند (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۸۱؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۵۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۹۶؛ خوانساری، مدرسه رضویه، ص ۴۸؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۹۱).

برخی دیگر، از آن با تعبیر «مصححه» (حائری بیارجمندی، مطبعة النعمان، ج ۳، ص ۲۵۰) یاد کرده و گروهی «صحیحه» تعبیر کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۱۱؛ لنکرانی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۲؛ ایروانی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۶۱؛ حکیم، ج ۳، ص ۴۰۲؛ ترحینی،

۱. البته در خصوص فتوای فقهای مالکی دو نظریه وجود دارد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۷۳)، که دلیل این اختلاف تعابیر، وجود ابراهیم بن هاشم در سند این روایت است؛ گرچه در خصوص ایشان توثیقی در کتب رجالی قدما وجود ندارد و مرحوم نجاشی و مرحوم شیخ فقط در خصوص ایشان فرموده‌اند:

«ابراهیم بن هاشم ابو اسحاق در اصل کوفی بوده و از آنجا به قم نقل مکان کرده و اولین کسی بوده است که احادیث کوفیون را در قم نشر داده است» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶؛ طوسی، ص ۴).

لیکن از قرائنی مانند کثرت نقل حدیث بزرگان اصحاب از ایشان، می‌توان وثاقت او را پذیرفت؛ علمای علم رجال در کتب خود به این قرائن اشاره کرده‌اند (علامه حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۴؛ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۹۵؛ اردبیلی، ج ۱، ص ۳۸؛ حائری مازندرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۱۳؛ نراقی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۳۵؛ خویی، بی‌نا، ج ۱، ص ۲۹۱).

ب؛ روایت محمد بن مسلم:

روایت دیگری که از جهت دلالت بهتر از روایت سابق است و حکم زن حائض را نیز بیان می‌کند، روایت محمد بن مسلم است. او از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند:

«جنب و حائض ... به صورت عبوری وارد مسجد می‌شوند اما در آن نمی‌نشینند و نزدیک به دو مسجد حرام [یعنی مسجد الحرام و مسجد النبی] نمی‌شوند» (طوسی، ۱۴۰۷ق، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۷۱).

برخی بزرگان از این روایت تعبیر به «حسنه» کرده‌اند (شبر، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۳۰۹) و برخی آن را «صحیحه» خوانده‌اند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۱۱). دلیل این اختلاف تعبیر هم وجود ابراهیم بن هاشم در سند این روایت است که پیش از این به وثاقت ایشان اشاره شد.

دلیل این حکم نزد فقهای اهل تسنن نیز (در مورد حکم داخل شدن به مطلق مساجد)

بررسی خواهد شد.

گفتار دوم: وظیفه مکلف در صورت محتلم شدن در این دو مسجد

اگر مکلف در مسجد الحرام یا مسجد النبی محتلم شود وظیفه او بر اساس فتاوی مختلف، متفاوت خواهد بود:

الف؛ اگر توقف جنب را در این مساجد جایز بدانیم (در ادامه به آن اشاره خواهد شد): در این صورت اشکالی در جواز باقی ماندن شخص محتلم در این مساجد وجود نخواهد داشت.

ب؛ اگر توقف جنب را در این مساجد حرام بدانیم نیز دو صورت متصور است:

۱. اگر عبور کردن جنب را جایز بدانیم، بلااشکال لازم است که شخص از مسجد خارج شود.

۲. اگر عبور کردن شخص جنب از این مساجد را حرام بدانیم (مانند فقهای امامیه، مالکی و حنفی)، در این صورت مسأله مشکل خواهد شد و نیاز به بررسی دارد.

نظر فقهای امامیه: اتفاق علمای شیعه بر وجوب تیمم کردن شخص قبل از خروج است (همان، ج ۶، ص ۳۲۷)، فقط مرحوم ابن حمزه تیمم را واجب ندانسته و آن را مستحب شمرده است (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۷۰).

نظر فقهای حنفی: فقهای حنفی تیمم را در این صورت مستحب می دانند (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۱).

نظر فقهای مالکی: ^۱فقهای مالکی فتوا به وجوب خروج سریع از مسجد، بدون تیمم داده اند (دسوقی، ج ۱، ص ۱۳۹).

دلیل فقهای مالکی بر وجوب خارج شدن بدون تیمم آن است که تیمم موجب مکث بیشتر شخص در مسجد می شود که عملی حرام است (همان).

در طرف مقابل، فقهای امامیه برای وجوب تیمم به روایتی از امام باقر علیه السلام استدلال کرده اند که حضرت فرمودند واجب است شخص تیمم کند و از مسجد خارج شود و حق

۱. اشاره شد که در خصوص فتوای مالک بن انس دو نقل قول وجود دارد و طبعاً بنا بر نقل مرحوم شیخ طوسی مبنی بر اجازه دادن عبور توسط مالک این بحث وجهی نخواهد داشت.

ندارد بدون تیمم از مسجد عبور کند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۰۷) که سند روایت نیز صحیح است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۱۲).

البته معلوم است که این روایت در خصوص فرض متعارف وارد شده است؛ یعنی مربوط به جایی است که زمان تیمم کردن کمتر از زمان خارج شدن یا غسل کردن باشد، لذا مواردی که زمان خروج کمتر از زمان تیمم است؛ مثل صورتی که شخص پشت در مسجد است، از موضوع این روایت خارج می‌باشد و وظیفه این شخص آن است که به سرعت از مسجد خارج شود، یا اگر زمان غسل کردن شخصی کمتر از زمان تیمم کردن او باشد؛ مثل اینکه تهیه مقدمات تیمم طولانی باشد، وظیفه این شخص غسل کردن است (همان).

به همین جهت فقهای امامیه، در فرض اول که اشاره شد، وظیفه شخص را خارج شدن بدون تیمم دانسته‌اند، بلکه حتی اگر زمان خروج و تیمم مساوی باشد نیز وظیفه را خارج شدن می‌دانند و در فرض دوم نیز فتوا به وجوب غسل داده‌اند و در فرض مساوی بودن زمان غسل و تیمم مکلف را در انجام این دو عمل مخیر دانسته‌اند (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۳).

نکته: حکم وجوب تیمم یا غسل در جایی است که حدث اکبر امکان ارتفاع داشته باشد، لذا در مثل زن حائض که خون او مستمراً ادامه دارد، از آنجا که با تیمم حدث او از بین نمی‌رود، واجب است بی‌درنگ و بدون تیمم از مسجد خارج شود (همان، ج ۱، ص ۴۸۴).

در انتها مناسب است به اشکالی که به فتوای فقهای مالکی وجود دارد اشاره شود؛ ولو تیمم ملازم با مکث در مسجد است اما در این مسأله در حقیقت میان این حرمت مکث و حرمت عبور کردن از مسجد با حال جنابت، تراحم وجود دارد و فتوای ایشان به یک طرف تراحم بدون وجود مرجّحی در بین، ترجیح بدون مرجّح است.

هرچند ممکن است از طرف ایشان جواب بدهیم که مشروعیت تیمم در این فرض احراز نشده است؛ لذا بعد از تیمم نیز عبور کردن بر این شخص جایز نخواهد بود؛ پس در هر صورت، شخص مجبور به ارتکاب حرمت عبور کردن با حال جنابت است و تراحمی با حرمت مکث نخواهد داشت.

گفتار سوم: حکم قسمت‌های توسعه یافته از این دو مسجد

به نظر اکثر فقهای شیعه قسمت‌های توسعه یافته مسجد الحرام و مسجد النبی نیز حکم سایر قسمت‌های قدیمی این دو مسجد را دارند؛ چرا که عنوان مسجد الحرام و مسجد النبی عرفاً بر این اماکن نیز صادق است (امام خمینی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۱۰؛ لنگرودی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۴۳).

لیکن برخی از فقها حکم عدم جواز ورود را مختص به قسمت‌هایی از مسجد دانسته‌اند که در زمان پیامبر مسجد بوده و حکم را نسبت به سایر قسمت‌های توسعه یافته جاری نمی‌دانند و سایر مکان‌های مسجد را مانند سایر مساجد می‌دانند (مجلسی اول، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۰۶؛ بهجت: محمودی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۶۲؛ موسوی شاهرودی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۴۹).

همچنین طبق نظر دیگر فقهای عامه، از آنجا که میان مسجد الحرام و مسجد النبی و مساجد دیگر تفاوتی وجود ندارد، در نتیجه، ولو بر قسمت‌های توسعه یافته این دو مسجد، عنوان مسجد صادق نباشد اما چون این قسمت‌ها هم مسجد هستند، در صورتی که ورود جنب را به مسجد الحرام، حرام بدانیم، حق وارد شدن به این قسمت‌های مسجد را نیز ندارد و اگر وارد شدن را جایز بدانیم، تفاوتی میان قسمت‌های قدیمی و جدید این مساجد نخواهد بود.

مبحث دوم: ورود به سایر مساجد

در مورد وارد شدن به سایر مساجد، غیر از مسجد الحرام و مسجد النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در صورتی که شخص در آن توقف نکند، با صرف نظر از سایر امور حرام؛ مثل نجس شدن مسجد در اثر عبور کردن شخص، همه علمای امامیه اتفاق نظر بر جواز عبور از مسجد دارند؛ به این معنا که اگر از یک در داخل شود و از در دیگر آن خارج شود، عمل او جایز خواهد بود (امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۴)، فقط مرحوم سلار قائل به کراهت داخل شدن جنب به مسجد می‌باشد (سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۲).

اما در میان علمای اهل تسنن در این خصوص چند نظر وجود دارد:

علمای شافعی: از شافعی نقل شده است که او این عمل را مکروه می‌داند (نووی، ج ۲، ص ۳۵۸)، مرحوم شیخ فرموده است: شافعی مرور بدون غرض را مکروه می‌داند (طوسی،

۱۴۰۷ق، الخلاف، ج ۱، ص ۵۱۳)، لکن نووی این احتمال را شاذ شمرده و ادعا کرده است که فقهای شافعی قطعاً به جواز بدون کراهت دارند (نووی، ج ۲، ص ۱۷۲).

فقهای حنبلی مطلقاً و حتی بدون وضو گرفتن، این عمل را برای جنب و حائض جایز می‌دانند (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۲).

حنفی‌ها: شخص جنب جز در حالت ضرورت، حق داخل شدن به مساجد را ندارد (همان، ج ۱، ص ۲۰۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۱۳).

مالکی‌ها: برخی نظر ایشان را مانند فقهای حنفی می‌دانند (دسوقی، ج ۱، ص ۱۳۹؛ جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۱)؛ لکن مرحوم شیخ طوسی نظر او را مانند نظر شافعی می‌داند که داخل شدن را اجازه داده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۱۳).

گفتار یکم: دلیل جواز داخل شدن

برای جواز داخل شدن و عبور از مسجد، نخست به ذیل آیه شریفه ۴۳ سوره نساء که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، می‌توان تمسک کرد که خداوند عبور از مساجد را جایز شمرده است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۱۷).

و دلیل دوم روایاتی است که در کتب حدیثی شیعه و اهل تسنن وارد شده است. روایت کتب حدیثی شیعه: مرحوم خویی فرموده است: در روایاتی که سند صحیح دارند، چند عنوان از حرمت داخل شدن به مساجد، استثنا شده است: عنوان یکم: «اجتياز از مساجد»، در روایاتی مثل روایت محمد بن مسلم، اجتياز از مساجد غیر از مسجد الحرام و مسجد النبی اجازه داده شده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۰۷).

عنوان دوم: «مرور از مساجد»، در برخی روایات مثل صحیحۀ جمیل مرور از مساجد جایز شمرده شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۰۵).

مراد از «مفهوم مرور» همان مفهوم اجتياز است و معنای آن، محلّ عبور قرار دادن مسجد است؛ به این معنا که شخص از یک در مسجد داخل و از در دیگر آن خارج شود؛ لذا اگر شخص از یک در داخل و از همان در خارج شود، اجتياز صدق نمی‌کند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۱۶).

روایت کتب حدیثی اهل تسنن: همچنین در کتب اهل تسنن روایتی از جابر وجود دارد که در آن گفته است: «ما در مسجد در حالی که جنب بودیم راه می‌رفتیم و اشکالی در آن نمی‌دیدیم» (دارمی، ۱۳۴۹ق، ج ۱، ص ۲۶۵)، لذا برخی این روایت را دلیل بر جواز راه رفتن جنب در مساجد می‌دانند (نووی، ج ۲، ص ۱۶۱).

گفتار دوم: بررسی قول به کراهت

دلیلی که می‌توان برای قول مرحوم سلار و سایر قائلین به کراهت بیان کرد، برخی روایات است که در آن از داخل شدن جنب به مساجد نهی گردیده است؛ مانند وصیّت پیامبر ﷺ که فرمودند: «خداوند رفتن به مساجد در حالت جنابت را برای امت من مکروه شمرده است...» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۵۷).

در روایت دیگری فرمودند: «خداوند شش خصلت را برای من مکروه دانست و من برای ائمه از اولادم مکروه دانستم و ایشان باید برای اتباع خود مکروه بدانند، [که این شش مورد عبارتند از: ... و رفتن به مساجد در حالت جنابت]» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۰؛ صدوق، ۱۳۹۷ق، ص ۷۷).

لیکن مرحوم خوئی پاسخ این دلیل را اینگونه داده است که کراهت در روایات به معنای لغوی آن؛ یعنی «مبغوضیت»، بنابراین، به معنای حرمت خواهد بود، شاهد استظهار حرمت نیز سایر فقرات این روایات است که برخی از آنها حرام است (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۱۴).

در نتیجه، اطلاق این روایات با روایاتی که عبور را اجازه می‌دهند تخصیص می‌خورد و مراد از این روایات حرمت توقّف در سایر مساجد خواهد بود.

گفتار سوم: دلیل حرمت داخل شدن

همان‌گونه که بیان شد ابوحنیفه وارد شدن به مساجد را، بدون وجود ضرورت، منع کرده است؛ ایشان برای حرمت مکث و عبور، به روایتی از پیامبر ﷺ تمسک کرده که فرموده‌اند: مسجد را برای جنب و حائض حلال نمی‌دانم (سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱،

ص ۵۸؛ بیهقی، ج ۲، ص ۴۴۲؛ ابن راهویه، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۰۳۲؛ ابن خزیمه، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۸۴).

همچنین از آیه شریفه که دلالت بر جواز مرور می کند جواب داده که آیه مربوط به نماز خواندن است و مراد از «عبور سبیل» مسافرت شخص مسافر است (که در فصل بعد در بررسی قول حنبله این ادعا بررسی خواهد شد) لیکن قائلین به قول جواز عبور از این روایت جواب داده اند که مراد از حلال نبودن مسجد بر شخص جنب از باب جمع بین روایات حرمت توقّف است؛ علاوه بر این، مرحوم علامه فرموده است: مراد از مسجد، مسجد پیامبر ﷺ است که بنا بر نظریه امامیه در خصوص مسجد پیامبر، جنب حتی حق وارد شدن هم ندارد (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۴۰).

مبحث سوم: ورود به حرم ائمه اطهار علیهم السلام

برخی از فقها حرم های اهل بیت را ملحق به سایر مساجد می دانند؛ البته غیر از مسجد الحرام و مسجد النبی، و عبور از آن را جایز و مکث در آن را حرام دانسته اند. مرحوم خوبی و آیات عظام مکارم و سیستانی، در این حکم احتیاط واجب دارند (یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۲۳؛ سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۴).

در مقابل، برخی از بزرگان وارد شدن به حرم ائمه علیهم السلام، ولو به صورت عبوری را حرام دانسته اند و آن ها را مانند مسجد الحرام و مسجد النبی شمرده اند.

مرحوم نائینی، گلپایگانی، فاضل لنکرانی، منتظری همچنین آیات عظام وحید و صافی احتیاط واجب دارند (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۱؛ اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۳۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۴؛ منتظری، دفتر معظم له، ج ۱، ص ۲۱۶؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۴۸؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۱)؛ مرحوم امام در برخی از کتب خود، نظر اول را برگزیده و حرم ها را ملحق به سایر مساجد می دانند (امام خمینی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸). لیکن در برخی دیگر از کتب خود، بنا بر احتیاط واجب آن ها را ملحق به مسجد الحرام و مسجد النبی می داند (امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۸؛ اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۸).

اما فتوای فقهای اهل تسنن:

برای بررسی کلام ایشان مناسب است حکم وارد شدن زن حائض و جنب به صورت مجزاً بررسی شود:

حکم وارد شدن زن حائض:

برخی از فقهای اهل تسنن وارد شدن زنها به کنار قبور را حرام می‌دانند (نووی، ادارة الطباعة المنيرية، ج ۵، ص ۳۱۰).

و برخی حرمت را مختص زن‌های جوان می‌دانند (دسوقی، دار احیاء الکتب العربیه، ج ۱، ص ۴۲۲).

برخی نیز آن را مکروه می‌شمارند (رافعی، دارالفکر، ج ۵، ص ۲۴۸؛ ابن قدامه، دار الکتب العربی، ج ۲، ص ۴۳۰) که نووی آن را به جمهور فقها نسبت داده است (نووی، ادارة الطباعة المنيرية، ج ۵، ص ۳۱۰).

و برخی مباح می‌دانند (رافعی، دارالفکر، ج ۵، ص ۲۴۸؛ سرخسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۴، ص ۱۰؛ ابن قدامه، دار الکتب العربی، ج ۲، ص ۴۳۱)؛ و وجه خصوصیتی برای قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام مطرح نشده است؛ لذا افرادی که داخل شدن زن حائض به قبرستان را اجازه می‌دهند منعی برای داخل شدن ایشان به حرم ائمه علیهم‌السلام قائل نیستند؛ افرادی هم که داخل شدن را حرام می‌دانند، در واقع خصوصیتی برای حالت حیض ایشان قائل نیستند.

حکم وارد شدن مرد جنب: ایشان مطلقاً داخل شدن مردها را به قبرستان اجازه داده‌اند و داخل شدن مرد جنب را نهی نکرده‌اند؛ لذا وجهی برای حرمت آن وجود ندارد (ابن قدامه، دار الکتب العربی، ج ۲، ص ۴۲۴؛ ابو البرکات، دار احیاء الکتب العربیه، ج ۱، ص ۴۲۲؛ نووی، ادارة الطباعة المنيرية، ج ۵، ص ۳۰۹).

البته واضح است که اگر وارد شدن جنب و حائض به حرم ائمه علیهم‌السلام عرفاً هتک حرمت ایشان باشد، همه فقهای اهل تسنن نیز این عمل را حرام خواهند شمرد؛ چرا که در جای خود بررسی شده است که همه فقهای شیعه و سنی هتک حرمت به مقدّسات دین را حرام می‌دانند.

گفتار یکم: دلیل حرمت ورود

برای حرمت ورود ممکن است به ادله‌ای استدلال شود:

۱. وارد نشدن به حرم ائمه، مصداق تعظیم شعائر است که واجب است رعایت شود (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۵۴).

جواب: پاسخ از این دلیل در جای خود بیان شده که دلیلی بر وجوب همه مراتب تعظیم نداریم و تنها مصادیقی از تعظیم واجب است که ترک آن هتک این مقدّسات باشد؛ همچنین بیان شد که همه فقها در صورتی که داخل شدن یا مکث جنب و حائض موجب هتک به ائمه اطهار باشد آن عمل را حرام می‌دانند و بحث ما در غیر این فرض است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۲۱).

۲. دلیل دیگری که ممکن است برای حرمت مطرح شود، برخی روایات است که در کتب حدیثی شیعه وجود دارد که مضمون آن حرمت داخل شدن جنب به بیوت انبیا است و مرحوم حرّ عاملی آن‌ها را در باب ۱۶ ابواب جنابت بیان کرده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، صص ۲۱۱ و ۲۱۲).

جواب: مرحوم خویی فرموده است: این روایات یا در سند اشکال دارند و یا در دلالت ضعیف هستند؛ چرا که قرائنی بر عدم اراده حرمت دخول در آن وجود دارد؛ علاوه بر اینکه آنچه موضوع این روایات است داخل شدن به بیوت انبیا در فرض حضور ایشان است و شامل قبه شریف نمی‌شود (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، صص ۳۲۴-۳۲۱).

برخی دیگر از بزرگان نیز اشکال کرده‌اند که عنوان «بیوت» بر مشاهد ائمه علیهم‌السلام صدق نمی‌کند (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۴، ص ۱۴۳).

البته برخی از محققان ادعا کرده‌اند علاوه بر روایات صحیح السنّی که بیان و بررسی شدند، روایات دیگری هم در کتب روایی وجود دارد که ولو ضعیف هستند اما ایشان روایات را مستفیض دانسته و دلالت آن‌ها را نیز تامّ می‌دانند، لذا این دلیل را اصلی‌ترین دلیل حرمت وارد شدن معذورین به حرم ائمه علیهم‌السلام برشمرده است (عندلیبی، ۱۳۹۶، ص ۲۱).

۳. دلیل سومی که برخی برای حرمت ورود ذکر کرده‌اند، سیره متشرّعه بر اجتناب از دخول به حرم ائمه اطهار علیهم‌السلام است.

جواب: از این دلیل نیز جواب داده شده است که ولو سیره مسلّم است لیکن دلالت بر حرمت داخل شدن نمی‌کند، شاهد عدم دلالت آن بر حرمت، وجود سیره بر عدم دخول بدون وضو به این اماکن است، بلکه برخی از اهل ورع به حرم برخی امام زادگان نیز بدون غسل و وضو داخل نمی‌شوند؛ لذا معلوم می‌شود که این سیره استحبابی است نه سیره‌ای که دلالت بر وجوب کند (همان، ج ۴، صص ۱۴۴ - ۱۴۳).

نکته: برخی برای جواز دخول به حرم ائمه علیهم‌السلام به این نکته استدلال کرده‌اند که خانواده و زن و فرزند ائمه اطهار علیهم‌السلام حائض و جنب می‌شدند و با این حال هیچ نقلی نداریم که ائمه علیهم‌السلام امر به خارج شدن ایشان از منزل کرده باشند، این خود شاهد است که حتی توقّف جنب و حائض نیز در حرم ائمه مشکلی ندارد (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۹؛ حائری بیارجمندی، ج ۳، ص ۲۵۲)، لیکن برخی از بزرگان از این حرف جواب داده‌اند که موضوع حکم، حرمت داخل شدن است و شامل اشخاصی که در خانه ائمه علیهم‌السلام سکونت دارند نمی‌شود (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۲۳).

گفتار دوم: حرمت داخل شدن زنها به قبرستان

پیش‌تر گفته شد که برخی از علمای اهل تسنن وارد شدن زنها به قبرستان را حرام می‌دانند. دلیل ایشان، برخی روایاتی است که در کتب روایی اهل تسنن آمده است (ابن قدامه، دارالکتاب العربی، ج ۲، ص ۴۳۰)؛ مضمون این روایات نهی از وارد شدن به قبرستان و لعن زنان زائر قبرستان است (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۸۸). لکن فقهای اهل تسنن این قول را شاذ می‌دانند و حرمت را قبول ندارند.

در طرف مقابل، قائلین به جواز، به روایتی تمسّک می‌کنند که در آن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

در گذشته از زیارت قبرستان نهی کردم، اما اکنون می‌گویم که مستحب است زیارت کنید (احمد حنبل، دار صادر، ج ۱، ص ۱۴۵)؛ لذا قائلین به جواز ادّعا کرده‌اند که این روایت به صورت مطلق نسبت به زن و مرد حکم به جواز داده است، در نتیجه، داخل شدن به قبرستان جایز است (ابن قدامه، ج ۲، ص ۴۳۱).

فصل دوم:

توقف شخص جنب و حائض در اماکن متبرک

اماکن متبرکی که شخص جنب قصد توقف در آن را دارد، چند دسته هستند که لازم است مروری در آن چند مبحث داشته باشیم:

مبحث یکم: توقف در مساجد

نخستین مبحث که لازم است در اینجا طرح شود، توقف شخص جنب و حائض در مساجد است؛ خواه مسجد الحرام و مسجد النبی باشد یا سایر مساجد.

در این صورت فقهای شیعه اتفاق دارند که شخص مرتکب حرام شده است (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۱؛ امام خمینی، دارالعلم، ج ۱، ص ۳۸).

در میان فقهای اهل تسنن در این خصوص اختلاف وجود دارد:

حنفی‌ها؛ این عمل را حرام می‌دانند (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۱)، برخی نیز ادعای اتفاق و اجماع علمای شافعی بر حرمت توقف را دارند (نووی، ادارة الطباعة المنيرية، ج ۲ صص ۱۷۲ و ۳۵۸).

مالکی‌ها: بر جنب حرام است که در مساجد توقف کند، مگر اینکه شخص مسافر باشد که در این صورت می‌تواند به مقدار ضرورت در مسجد توقف کند و نماز را با تیمم به جا آورد (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۰).

در اینجا مناسب است این نکته تذکر داده شود که ولو ادله و ظاهر عبارات فقهای اهل تسنن مختص به جنب است اما بزرگان تصریح کرده‌اند که هیچ کس میان جنب و حائض تفاوت نگذاشته و حکم را برای حائض هم ثابت دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۱۷؛ مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۸).

اما فقهای حنبلی مکث جنب اگر در حال وضو گرفتن باشد را اجازه می‌دهند و توقف حائض و نفساء را در صورت جریان خون، اجازه نمی‌دهند (همان، ج ۱، ص ۲۰۲)؛ چرا که وضو را رافع حدث زن حائض نمی‌دانند (ابن قدامه، عبد الرحمان بن محمد، الشرح الکبیر، ج ۱، ص ۲۰۹).

گفتار یکم: دلیل قول حرمت توقف

برای این حکم به چند دلیل تمسک شده است:

الف) قرآن:

دلیل نخست برای حرمت توقف در مساجد، آیه شریفه ۴۳ سوره نساء است که می‌فرماید:

﴿لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ﴾

(نساء: ۴۳).

وجه دلالت: بنا بر چند قرینه، مراد از نزدیک شدن به نماز در این آیه شریفه، نزدیک

شدن به مکان نمازگزار است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۱۳):

قرینه نخست: روایاتی که ذیل این آیه مراد از نماز را مکان نمازگزار بیان کرده‌اند؛

مانند روایت محمدبن مسلم و زراره از امام باقر علیه السلام که حضرت بعد از بیان حکم حرمت

دخول به مساجد به این آیه استشهاد کرده‌اند (صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۸۸).

قرینه دوم: ذیل آیه شریفه است که در حال عبور را استثنا کرده و معلوم است که

عبور و مرور از خود نماز معنا ندارد بلکه مراد عبور از مکان نماز؛ یعنی مساجد است؛ که

فقهای اهل تسنن نیز به این قرینه معنای آیه را نزدیک شدن به مکان نماز معنا کرده‌اند

(زرکشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۴).

ب) برخی از روایات:

دلیل دوم این حکم، برخی روایات است: روایات کتب شیعه، روایاتی است که در

فصل سابق در حکم حرمت دخول ایشان به مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله آوردیم.

همچنین در کتب اهل تسنن روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت فرمودند:

مسجد را برای حائض و جنب حلال نمی‌دانم (سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۸؛

بیهقی، دارالفکر، ج ۲، ص ۴۴۲؛ ابن راهویه، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۰۳۲؛ ابن خزیمه، ۱۴۱۲ق،

ج ۲، ص ۲۸۴)؛ البته احمد حنبل این روایت را ضعیف می‌شمارد؛ لذا بر اساس آن فتوا

نداده است (زرکشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۵).

گفتار دوم: دلیل جواز توقف در صورت وضو گرفتن

پیش‌تر بیان شد که فقهای حنبلی توقف در مساجد را در صورت وضو گرفتن اجازه می‌دهند. دلیل ایشان بر جواز چند امر است که لازم به بررسی است:

الف) اشکال به آیه

فقهای حنبلی بر این باورند که مراد از نزدیک نشدن به نماز، همان معنای ظاهری آن است؛ یعنی شخص حق نماز خواندن ندارد و مراد از عبور کردن از راه، مسافرت کردن است؛ یعنی جایز است شخص بدون غسل کردن (و با تیمم) به نماز نزدیک شده و آن را بجا آورد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۱۵)، در نتیجه، دلیلی بر حرمت توقّف جنب در مسجد وجود ندارد. لکن مرحوم شیخ این احتمال را رد کرده و پنج قرینه بر ترجیح احتمال اول برای آیه ذکر کرده‌اند؛ از جمله این که جواز نماز با تیمم مخصوص مسافر نیست و شخص غیر مسافر نیز در صورتی که آب برای او ضرر داشته باشد حق نماز با تیمم را دارد، در نتیجه با عموم آیه سازگاری ندارد (همان).

ب) روایت موجود در مسند احمد

فقهای حنبلی برای حرمت توقف بدون وضو، به ادله قول سابق تمسک کرده‌اند (بهوتی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۷۴) و برای جواز توقّف به فعل اصحاب پیامبر ﷺ تمسک جسته‌اند که نقل شده آن‌ها در حالی که جنب بودند با وضو در مسجد می‌نشستند، که سند روایت را صحیح شمرده‌اند (همان، ج ۱، ص ۱۷۵)، لذا ادله نهی را با این روایت تخصیص زده‌اند (ابن قدامه، ج ۱، ص ۲۰۹).

دلیل دیگر ایشان بر جواز مکث، جواز مکث مشرکین در مساجد است در حالی که مشرکین غالباً جنب هستند، لذا معلوم می‌شود که مکث جنب در مساجد جایز است.

البته برخی از این دلیل جواب داده‌اند که شرع میان کافر و مسلمان فرق گذاشته و مکث مسلمان جنب را حرام دانسته اما مکث کفار را حرام ندانسته و زندانی کردن

ایشان در مسجد را جایز شمرده است. علاوه اینکه کفار معتقد به حرمت مسجد و مکلف به احکام نمی‌باشند (نووی، ج ۲، ص ۱۶۰).

مرحوم علامه اضافه کرده که اصل جواز مکث کفار نیز اختلافی است و بسیاری از فقهای امامیه مکث کفار را جایز نمی‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۳۹).

همچنین مرحوم علامه گوید:

ممکن است بگوییم روایتی که گفته اصحاب با وضو در مسجد توقف می‌کردند، مراد از وضو گرفتن غسل باشد (همان، ج ۱، ص ۲۳۹).

برخی از فقهای اهل تسنن نیز جواب داده‌اند که حدیث نهی از توقف حائض و جنب حجت است و وجهی برای قول احمد حنبل وجود ندارد (زرکشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۵).

ج: روایت مذکور در کتب شیعه

در میان روایات شیعه نیز روایتی وجود دارد که مرحوم شیخ از امام کاظم عجل الله تعالی فرجه نقل کرده که راوی گوید: «از حضرت سؤال کردم در مورد جنب که آیا حق دارد در مسجد بخوابد؟ حضرت فرمودند: اگر وضو بگیرد مشکلی ندارد که در مسجد بخوابد و در آن راه برود» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۱).

بسیاری از بزرگان این روایت را صحیح می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۳۰؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۱، خوانساری، نرم افزار نور، ج ۲، ص ۴۳۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۵۱)، اما برخی سند را به خاطر وجود محمد بن قاسم که مشترک بین ثقه و غیر ثقه است قبول ندارند (محقق سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۵۲).

در این میان چند پاسخ از این روایت بیان شده است:

پاسخ یکم: روایت معارض با آیه است؛ چرا که آیه علت جواز مکث را منحصر در غسل می‌داند، در حالی که این روایت علت دیگری برای جواز مکث بیان می‌کند؛ در نتیجه روایت قابل اخذ نیست (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۹۸).

به این پاسخ اشکال شده که آیه شریفه غسل را علت جواز مکث نمی‌داند، بلکه از باب انتفای موضوع، جایز است که شخص توقّف کند، لذا روایت اخص از آیه خواهد بود و آن را تخصیص می‌زند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۱۵).

اما برخی از بزرگان فرموده‌اند: با دقت در این روایت، معلوم می‌شود که جواز نوم مقید به وضو گرفتن نشده و الا تکرار جمله اول می‌بود، بلکه مطلقاً مکث را اجازه داده است؛ لذا این روایت معارض با آیه شریفه خواهد بود و لازم است طرح شود (سند، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۳۹).

پاسخ دوم: مراد از لفظ «توضی» که در روایت آمده، معنای لغوی آن؛ یعنی تطهیر بدن و غسل کردن است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۴۲۲).

به این پاسخ نیز اشکال شده که این گونه معنا کردن روایت، با ظاهر آن منافات دارد (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۱۵).

پاسخ سوم: ولو بر اساس قاعده، باید روایت آیه را تخصیص بزند و فتوایی دهیم شبیه فتوای حنابله، لیکن هیچ یک از فقهای امامیه بر اساس این روایت فتوا نداده‌اند و فقط مرحوم صدوق فرموده است:

جنب می‌تواند در مسجد استراحت کند (صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۴۵)، اما ایشان هم جواز را مقید به وضو گرفتن نکرده است. لذا روایت قابل عمل نیست؛ چرا که در صورت اعراض اصحاب، روایت موهون خواهد شد (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۴، ص ۱۴۰) و باید روایت را حمل بر تقیه کنیم (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۱۵).

گفتار سوم: عدم قدرت شخص بر خارج شدن

اگر شخصی قدرت خارج شدن از مسجد را نداشته باشد و مجبور به توقّف در مسجد شود، لازم است تیمم کند تا توقّف در مسجد بر او جایز باشد (خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق، ص ۸۶، سؤال ۴۲۲؛ نووی، ادارة الطباعة المنيرية، ج ۲، ص ۱۷۲ (شافعی)؛ جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۱)؛ البته برخی از فقهای اهل تسنن تیمم از خاک مسجد را اجازه نمی‌دهند، لذا

برای وجوب تیمم شرط کرده‌اند که شخص خاک دیگری غیر از خاک مسجد داشته باشد (نوی، اداره الطباعة المنيرية، ج ۲، ص ۱۷۲).

مبحث دوم: توقف در حرم ائمه اطهار علیهم السلام

بحث دیگری که لازم است به آن پردازیم، حکم توقف در حرم ائمه اطهار علیهم السلام است که میان فقهای امامیه اتفاق نظر بر حرمت توقف در حرم ائمه وجود دارد (مرحوم امام، مرحوم خویی و مرحوم فاضل و مکارم و سیستانی احتیاط واجب دانسته‌اند: (یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۲۳؛ لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۴؛ سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۴) و مشهور فقهای امامیه فتوا دارند: یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۱؛ جناب وحید فتوا دارند: وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۴۸).

البته پیش تر نسبت به فتوای فقهای اهل تسنن بیان شد که در کلمات ایشان عبارتی مبنی بر حرمت توقف در کنار حرم ائمه علیهم السلام وجود ندارد، لذا طبعاً توقف کردن را جایز می‌دانند، بله گفته شد که برخی از ایشان وارد شدن زنان به قبرستان را حرام می‌دانند و لذا به این جهت توقف زنان را حرام خواهند دانست، لیکن از محل کلام خارج است و حرمت برای مطلق زنها خواهد بود.

باید توجه داشت که اگر توقف در حرم ایشان توسط جنب و زن حائض عرفاً موجب هتک حرمت ایشان باشد قطعاً این عمل حرام خواهد بود.

دلیل حرمت توقف

ادله‌ای که برای حرمت توقف در مسجد بیان شده، چند امر است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۲۰):

۱. روح مسجد بودن، که شرافت و محل تقرب آن مکان باشد، در مشاهد ائمه علیهم السلام هم وجود دارد (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۲۰) بلکه وجوب حفظ احترام به طریق اولی در آنها موجود است (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۷۸).
- همچنین برخی از محققان اشتراک مساجد و حرم‌های مطهر ائمه علیهم السلام را قرینه دیگری بر تعدی حکم مساجد به حرم‌های ائمه دانسته‌اند (عندلیبی، ۱۳۹۶، ص ۱۱).

جواب: به این دلیل اشکال شده است که موضوع احکام شرعی، عنوان مسجد است نه روح مسجد بودن، لذا تسری حکم نیازمند دلیل است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۲۰).

۲. مکث نکردن جنب موجب تعظیم شعائر است که امری است واجب (همان).

جواب: اشکال این دلیل هم پیش تر بیان شده است که همه مراتب تعظیم واجب نیست، بلکه هتک حرام است (همان).

۳. برخی روایات که سابقاً بیان شده است.

جواب: اشکال این دلیل هم قبلاً در فصل سابق گذشت.

فصل سوم:

توقف محدث به حدث اصغر در مساجد و سایر اماکن مقدّس

در پایان مناسب است به این نکته اشاره شود که احکام بیان شده، مختص محدث به حدث اکبر است و اگر شخصی محدث به حدث اصغر باشد در جواز توقف او شکی وجود ندارد. فقهای امامیه همگی آن را جایز دانسته‌اند و هیچ یک طهارت از حدث اصغر را برای توقف یا دخول در مسجد شرط نکرده‌اند (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۸۵). بله وضو گرفتن را برای وارد شدن به مسجد مستحب می‌دانند (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۰۸). در میان فقهای اهل تسنن هم برخی ادعا کرده‌اند که همه مسلمانان اتفاق بر جواز توقف این شخص در مسجد دارند (نووی، ادارة الطباعة المنيرية، ج ۲، ص ۱۷۳).

تنها ابن نجیم مصری حنفی داخل شدن به مسجد - بدون طهارت - را مکروه می‌داند (ابن نجیم مصری، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۴۲۰) و برخی دیگر از اهل تسنن گفته‌اند که اگر بدون غرض شرعی توقف کند عمل مکروهی را مرتکب شده است، لکن علاوه بر نادر بودن این قول، دلیلی بر آن نیست (نووی، ادارة الطباعة المنيرية، ج ۲، ص ۱۷۳).

نتیجه گیری:

از آنچه بیان شد مشخص می شود که اماکن مقدّس دو قسم اند:

الف: مساجد:

در مورد ورود و توقّف در مساجد چهار نظریه وجود دارد:

۱. فقهای امامیه توقّف را مطلقاً حرام می دانند و نسبت به عبور از مساجد میان مسجدالحرام و مسجد النبی و غیر آن، تفصیل قائل شده و مرور از این دو مسجد را نیز حرام می دانند.
۲. فقهای حنفی ورود و توقّف جنب و حائض را به همه مساجد حرام می دانند. نقل مشهور از فتوای فقهای مالکی نیز همین است.
۳. فقهای شافعی عبور کردن از مساجد را مطلقاً جایز می دانند اما براین نظرند که توقّف کردن در مساجد حرام است.
۴. فقهای حنبلی توقّف در مساجد را بعد از وضو گرفتن جایز می دانند و عبور را نیز حتی بدون وضو گرفتن جایز می شمارند؛ البته توقّف زن حائض در صورت جریان خون را جایز نمی دانند.

ب: حرم مطهر ائمه اطهار علیهم السلام

اگر عرفاً توقّف یا ورود، هتک حرمت ایشان باشد، همه فقهای شیعه و سنی این عمل را حرام می دانند. اما اگر داخل شدن، هتک حرمت ایشان نباشد، فقهای اهل تسنن وارد شدن و توقّف را جایز می دانند. بله، بنابراین نظر که زنها حق ورود به قبرستان را ندارند، طبعاً بر زن حائض داخل شدن حرام خواهد بود. فقهای امامیه هم در خصوص این اماکن متبرک دو نظریه دارند؛ برخی آن را ملحق به مسجد الحرام می دانند و ورود جنب و حائض را هم حرام می شمارند، اما برخی آن‌ها را ملحق به سایر مساجد می دانند.

* قرآن کریم

۱. آملی، میرزا محمدتقی، (۱۳۸۰ق)، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، مؤلف، چاپ اول، تهران - ایران.
۲. ابن بابویه، علی بن حسین، (۱۳۸۵ش)، علل الشرایع، کتاب فروشی داوری، چاپ اول، قم - ایران.
۳. ابن بابویه، علی بن حسین، (۱۳۹۷ق)، فضائل الأشهر الثلاثة، کتاب فروشی داوری، چاپ اول، قم - ایران.
۴. ابن بابویه، علی بن حسین، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، قم - ایران.
۵. ابن بابویه، علی بن حسین، (۱۴۱۵ق)، مقنع، مؤسسه امام هادی علیه السلام، چاپ اول، قم - ایران.
۶. ابن حمزه طوسی، محمد، (۱۴۰۸ق)، الوسيلة إلى نیل الفضيلة، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله، چاپ اول، قم - ایران.
۷. ابن حنبل، (بی تا)، مسند احمد، دار صادر، بیروت - لبنان.
۸. ابن خزیمه، محمد، (۱۴۱۲ق)، صحیح ابن خزیمه، المکتب الاسلامی، دوم.
۹. ابن راهویه، اسحاق، (۱۴۱۲ق)، مسند ابن راهویه، مکتبة الإیمان، چاپ اول، مدینه - عربستان.
۱۰. ابن رشد قرطبی، محمد، (۱۴۱۵ق)، بداية المجتهد، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، بیروت - لبنان.
۱۱. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۷ق)، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم - ایران.
۱۲. ابن قدامه، عبدالرحمن، (بی تا)، الشرح الكبير، دار الكتاب العربی للنشر و التوزیع، بیروت - لبنان.
۱۳. ابن قدامه، عبدالله، (بی تا)، المغنی، دار الكتاب العربی، بیروت - لبنان.

۱۴. ابن قولویه، جعفر، (۱۳۹۸ق)، کامل الزیارات، دار المرتضویة، چاپ اول، نجف اشرف - عراق.
۱۵. ابن نجیم مصری، زین الدین، (۱۴۱۸ق)، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، بیروت - لبنان.
۱۶. ابو البرکات، احمد، (بی تا)، الشرح الكبير، دار احیاء الکتب العربیة، بیروت - لبنان.
۱۷. اراکی، محمدعلی، (۱۴۱۴ق)، المسائل الواضحة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم - ایران.
۱۸. اردبیلی، محمدعلی، (بی تا)، جامع الرواة، مكتبة المحمّدی.
۱۹. اصفهانی، سید ابوالحسن، (۱۳۹۳ق)، وسیلة النجاة (مع حواشی الگلپایگانی)، چاپخانه مهر، چاپ اول، قم - ایران.
۲۰. اصفهانی، سید ابوالحسن، (۱۴۲۲ق)، وسیلة النجاة (مع حواشی الإمام الخمينی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، قم - ایران.
۲۱. ایروانی، باقر، (۱۴۲۷ق)، دروس تمهیدية فی الفقه الاستدلالي علی المذهب الجعفري، چاپ دوم، قم - ایران.
۲۲. بحرانی، یوسف، (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم - ایران.
۲۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)، محاسن، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، قم - ایران.
۲۴. بهجت، محمدتقی، (۱۴۲۶ق)، جامع المسائل، دفتر معظم له، چاپ دوم، قم - ایران.
۲۵. بهوتی، منصور، (۱۴۱۸ق)، کشف القناع، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، بیروت - لبنان.
۲۶. بیهقی، احمد، (بی تا)، سنن کبری، دار الفکر.
۲۷. ترحینی عاملی، سید محمدحسین، (۱۴۲۷ق)، الزبدة الفقهية فی شرح الروضة البهية، دار الفقه للطباعة و النشر، چاپ چهارم، قم - ایران.

۲۸. تفرشی، سید مصطفی، (۱۴۱۸ق)، نقد الرجال، مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول، قم - ایران.
۲۹. جزیری، عبدالرحمان و همکاران، (۱۴۱۹ق)، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت عليه السلام، دار الثقلین، چاپ اول، بیروت - لبنان.
۳۰. حائری بیارجمندی، یوسف آرام، (بی تا)، مدارک العروة، مطبعة النعمان، چاپ اول، نجف اشرف - عراق.
۳۱. حائری مازندرانی، محمد، (۱۴۱۶ق)، منتهی المقال فی أحوال الرجال، مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول، قم - ایران.
۳۲. حر عاملی، محمد، (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول، قم - ایران.
۳۳. حکیم، سید محمد سعید، (بی تا)، مصباح المنهاج - کتاب الطهارة، مؤسسه المنار، قم - ایران.
۳۴. حکیم، محسن، (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، مؤسسه دار التفسیر، چاپ اول، قم - ایران.
۳۵. خامنه ای، سید علی، (۱۴۲۴ق)، أجوبة الاستفتاءات، دفتر معظم له در قم، چاپ اول، قم - ایران.
۳۶. خمینی، سید روح الله، (۱۴۰۴ق)، زیادة الأحكام، تبلیغات اسلامی، چاپ اول، تهران - ایران.
۳۷. خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۴ق)، توضیح المسائل، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هشتم، قم - ایران.
۳۸. خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۶ق) منتخب مناسک حج، نشر مشعر، چاپ دوم، قم - ایران.
۳۹. خمینی، سید روح الله، (بی تا)، تحریر الوسيلة، مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول، قم - ایران.
۴۰. خوانساری، جمال الدین، (بی تا)، التعليقات علی الروضة البهیة، منشورات المدرسه الرضویة، چاپ اول، قم - ایران.

۴۱. خوانساری، حسین، (بی تا)، مشارق الشموس فی شرح الدروس، نرم افزار جامع فقه اسلامی.
۴۲. خوانساری، سید احمد، (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، قم - ایران.
۴۳. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی رحمته الله، چاپ اول، قم - ایران.
۴۴. خویی، سید ابوالقاسم، (بی تا)، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرجال.
۴۵. دارمی، عبدالله، (۱۳۴۹ق)، سنن دارمی، مطبعة الحديث، دمشق - سوریه.
۴۶. دسوقی، محمد، (بی تا)، حاشية الدسوقی، دار احیاء الکتب العربیة، بیروت - لبنان.
۴۷. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۵۸ش)، لغت نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران - ایران.
۴۸. رافعی، عبدالکریم، (بی تا)، فتح العزیز، دار الفکر.
۴۹. زرکشی، محمد، (۱۴۱۶ق)، اعلام الساجد بأحكام المساجد، المجلس الأعلى للشئون الإسلامية لجنة إحياء التراث الإسلامي، چاپ چهارم، قاهرة - مصر.
۵۰. سجستانی، سلیمان، (۱۴۱۰ق)، سنن ابی داود، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ اول، بیروت - لبنان.
۵۱. سرخسی، شمس الدین، (۱۴۰۶ق)، المبسوط، دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزيع، بیروت - لبنان.
۵۲. سلار دیلمی، حمزة، (۱۴۰۴ق)، المراسم العلویة و الأحكام النبویة، منشورات الحرمین، چاپ اول، قم - ایران.
۵۳. سمرقندی، علاء الدین، (۱۴۱۴ق)، تحفة الفقهاء، دار الکتب العلمیة، چاپ دوم، بیروت - لبنان.
۵۴. سند، محمد، (۱۴۱۵ق)، سند العروة الوثقی - کتاب الطهارة، انتشارات صحفی، چاپ اول، قم - ایران.

۵۵. سیستانی، سید علی، (۱۴۱۶ق)، الفتاوی المیسرة، دفتر حضرت آیت الله سیستانی، چاپ اول، قم - ایران.
۵۶. سیستانی، سید علی، (۱۴۱۷ق)، منهاج الصالحین، دفتر حضرت آیت الله سیستانی، چاپ پنجم، قم - ایران.
۵۷. شافعی، محمدبن ادريس، (۱۴۰۳ق)، الأم، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ دوم، بیروت - لبنان.
۵۸. شبر، سید علی، (۱۳۸۳ق)، العمل الأبقی فی شرح العروة الوثقی، مطبعة النجف، چاپ اول، نجف اشرف - عراق.
۵۹. شبیری زنجانی، سید موسی، (۱۴۲۸ق)، المسائل الشرعیة، مؤسسه نشر الفقاهة، چاپ اول، قم - ایران.
۶۰. شهید اول، محمد، (۱۴۱۹ق)، ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة، مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول، قم - ایران.
۶۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۴۱۶ق)، هداية العباد، دار القرآن الکریم، چاپ اول، قم - ایران.
۶۲. طباطبایى، سید علی، (۱۴۱۸ق)، رياض المسائل، مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول، قم - ایران.
۶۳. طوسی، محمدبن حسن، (۱۳۸۱ق)، رجال العلامة - خلاصة الأقوال، منشورات المطبعة الحيدرية، چاپ دوم، نجف اشرف - عراق.
۶۴. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم - ایران.
۶۵. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۷ق)، تهذيب الأحكام، دار الكتب الإسلاميه، چاپ چهارم، تهران - ایران.
۶۶. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فى تحقیق المذهب، مجمع البحوث الإسلامیة، چاپ اول، مشهد - ایران.
۶۷. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۳ق)، مختلف الشيعة فى أحكام الشريعة، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، قم - ایران.

۶۸. طوسی، محمدبن حسن، (بی تا)، فهرست، مکتبه رضویه، چاپ اول، نجف - عراق.
۶۹. علامه حلی، حسن، (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء (طبع جدید)، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم - ایران.
۷۰. عندلیبی، رضا، (۱۳۹۶)، حکم ورود و توقف معذورین در مزارات معصومین علیهم السلام، فصلنامه فرهنگ زیارت.
۷۱. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۱۹ق)، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة، غسل الجنابة، التیمم، المطهرات، مؤسسه عروج، چاپ اول، تهران - ایران.
۷۲. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۲۲ق)، الأحكام الواضحة، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، چاپ چهارم، قم - ایران.
۷۳. فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۰۶ق)، الوافی، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول، اصفهان - ایران.
۷۴. فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۲۹ق)، معتصم الشیعة فی أحكام الشریعة، مدرسه عالی شهید مطهری، چاپ اول، تهران - ایران.
۷۵. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، تهران - ایران.
۷۶. کاشانی، ابوبکر، (۱۴۰۹ق)، بدائع الصنائع، حبیبیه، چاپ اول، پاکستان.
۷۷. گلپایگانی، سید محمدرضا، (۱۴۱۳ق) هدایة العباد، دارالقرآن الکریم، چاپ اول، قم - ایران.
۷۸. لنگرودی، سید محمدحسن، (۱۴۲۳ق)، توضیح المناسک، دفتر حضرت آیت الله، چاپ اول، قم - ایران.
۷۹. متقی هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۹ق)، کنز العمال، مؤسسه الرسالة، بیروت - لبنان.
۸۰. مجلسی اول، محمدتقی، (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، قم - ایران.

۸۱. مجلسی اول، محمدتقی، (۱۴۱۴ق)، لوا مع صاحبقرانی، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، قم - ایران.
۸۲. محقق سبزواری، محمدباقر، (۱۲۴۷ق)، ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم - ایران.
۸۳. محمودی، محمدرضا، (۱۴۲۹ق)، مناسک عمره مفرده، مشعر، چاپ اول، قم - ایران.
۸۴. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۱ق)، الفقه علی المذاهب الخمسة، دار التیار الجدید، دارالجواد، چاپ دهم، بیروت - لبنان.
۸۵. مفید، محمد عکبری، (۱۴۱۳ق)، احکام النساء، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید علیه السلام، چاپ اول، قم - ایران.
۸۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۶ق)، أحكام النساء، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول، قم - ایران.
۸۷. منتظری، حسین علی، (بی تا)، التعليقة علی العروة الوثقی، دفتر معظم له.
۸۸. موسوی شاهرودی، سید مرتضی، (۱۴۲۸ق)، جامع الفتاوی - مناسک حج، نشر مشعر، چاپ سوم، قم - ایران.
۸۹. موسوی عاملی، محمد بن علی، (۱۴۱۱ق)، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، بیروت - لبنان.
۹۰. نجاشی، احمد، (۱۴۰۷ق)، رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشيعة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.
۹۱. نراقی، مولی احمد، (۱۴۱۵ق)، مستند الشيعة فی احکام الشریعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم - ایران.
۹۲. نراقی، میرزا ابوالقاسم، (۱۴۲۲ق)، شعب المقال فی درجات الرجال، کنگره بزرگداشت نراقی علیه السلام، چاپ دوم، قم - ایران.
۹۳. نووی، یحیی، (بی تا)، المجموع، خطی، ادارة الطباعة المنيرية - التضامن الأخوی - المكتبة السلفية، مصر.

۹۴. همدانی، آقا رضا، (۱۴۱۶ق)، مصباح الفقیه، مؤسسة الجعفریة لإحیاء التراث و مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ اول، قم - ایران.
۹۵. وحید خراسانی، حسین، (۱۴۲۸ق)، منهاج الصالحین، مدرسه امام باقر علیه السلام، چاپ پنجم، قم - ایران.
۹۶. یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۹ق)، العروة الوثقی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم - ایران.
۹۷. یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۸ق)، العروة الوثقی مع التعليقات، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول، قم - ایران.

